

بسترها و زمینه‌های شکل‌دهنده مصرف صحیح

علی جلائیان اکبرنیا

پژوهشگر دانشگاه علوم اسلامی رضوی

چکیده

تاریخ دریافت: ۸۸/۱۰/۵ - تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۱/۴

زمینه‌های فکری و اعتقادی در شکل‌گیری شخصیت انسان نقش بسیار دارند. مصرف نیز از این اصل مستثنی نشده و چگونگی آن وابسته به بسترها و زمینه‌هایی است که برای مصرف‌کننده حاصل آمده است. امانتداری و مسئولیت‌پذیری دو اصل اساسی در این زمینه است که انسان را به استفاده صحیح فرا می‌خواند. نظم و برنامه‌ریزی، فرهنگ سازی و آموزش نیز از اصول لازم و انگیزش‌زا در این مسئله هستند که در مقاله حاضر به آن‌ها پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: مصرف، رفتار، زمینه‌ها، الگوی مصرف.

مقدمه

پیرامونی است و از باورهای وی شکل می‌گیرد. از این رو لازم است برای دستیابی به مصرفی صحیح زمینه‌های درونی آن مورد بررسی قرار گیرد.

۱- امانتداری

نخستین و مهم‌ترین زمینه‌ساز مصرف صحیح، اعتقاد به اصل امانتداری است. از آن‌جا که تمام امکانات و موقعیت‌ها امانتی

رفتار آدمی وابسته به نگاه او به زندگی است. بسیاری از تصمیم‌های بزرگ و کوچک و حتی انتخاب نوع پوشش از باورهای ذهنی سرچشمه می‌گیرد. برنامه‌ریزی و فعالیت‌های افراد مبتنی بر پیش‌زمینه‌های فکری آن‌هاست.

عادات انسان در چگونگی و میزان و نوع مصرف نیز وابسته به نگاه او به حقایق

است از سوی خداوند؛ استفاده صحیح از آن‌ها پاسداشت امانت‌های الهی است.^۲ وقتی آدمی به هدف خلقت توجه نماید^۳ و خویش را امانتدار و همه امکانات را از آن خداوند بداند، نمی‌تواند نعمت‌ها را جدای از خالقش تصور نماید و به گونه‌ای آن‌ها را به کار بندد که مطابق نظر خداوند نباشد، بیش از نیاز، مصرف نماید و یا آنچه نیاز است، مصرف ننماید.

مصرف صحیح و به دیگر عبارت پاسداشت امانت در هر امری به فراخور همان امر است. هر چند نقطه مشترک همه آن‌ها شکرگزاری^۴ به معنای استفاده صحیح از نعمت‌ها و امکانات است. انسان نسبت به خدا، خود، دیگران و حتی طبیعت مسئولیت دارد و درباره هر یک بار امانتی

را به دوش می‌کشد و به تناسب آن نیز باید پاسخگو باشد.^۵

از آن‌جا که مصرف، به کار بستن و استفاده از هر امر در مورد خویش است، نمی‌توان آن را منحصر در بهره‌وری از امکانات مادی خلاصه نمود، بلکه پاسداشت هر امانت، مصرف صحیح آن است. در این‌جا به برخی از این امانت‌ها و به کار بستن صحیح آن، اشاره می‌شود:

قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام، دو امانت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در میان امت اسلامی است.^۶ هریک از این دو پاسداشتی دارد. نسبت به قرآن باید از احکامش پیروی نمود. آن را خواند و درباره مسائل آن اندیشید^۷، تا مشمول شکایت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نشد، آن‌گونه که قرآن می‌فرماید: ﴿وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا﴾.^۸

۱. ﴿وَمَا بِكُمْ مِّنْ نَّعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ﴾ نحل (۱۶)/۵۳؛ آنچه از نعمت‌ها دارید، همه از سوی خداست.

۲. «المال مال الله يضعه عند الرجل ودائع...» (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۰۵)؛ مال، مال خداست و خدا آن را نزد انسان به ودیعت نهاده است.

۳. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ انفال (۸)/۲۷؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیامبر خیانت نکنید! و (نیز) در امانات خود خیانت روا مدارید، در حالی که می‌دانید (این کار، گناه بزرگی است).

۴. بنگرید به: الذاریات (۵۱)/۵۶.

۵. ﴿وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُون﴾ بقره (۲)/۱۵۲.

۵. بنگرید به: فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه‌های اسلامی، ج ۲.

۶. «انی تارک فیکم الثقلین، کتاب الله وعترتی...»؛ شیخ صدوق، *امالی*، ص ۵۰۰؛ نیز بنگرید به: نسائی، *السنن الکبری*، ج ۵، ص ۴۵.

۷. تفصیل وظایف آدمی نسبت به قرآن را در کتاب *تدبر در قرآن کریم*، نوشته آقای محمد حسین الهی زاده پی‌گیری نمایید.

۸. فرقان (۲۵)/۳۰؛ و «پیامبر گفت: پروردگارا! قوم من این قرآن را رها کردند.»

نسبت به اهل بیت علیهم السلام نیز لازم است پیشوایی آنان پذیرفته شود و از آنان پیروی گردد، حقوق مادی و معنویشان ادا و نسبت به آنان ابراز دوستی گردد. رفتار درست و امانتداری نسبت به این یادگاران پیامبر صلی الله علیه و آله این گونه صورت می‌گیرد.

وجود آدمی نیز امانتی است که باید به صحیح‌ترین صورت از آن بهره برد و آن را پاس داشت.^۱ خودشناسی، محاسبه نفس، حفظ عزت نفس، صداقت با خویش، خودکترلی و دوری از گناه، نمونه‌هایی از حفظ امانت و تعامل صحیح نسبت به خویشستن خویش است. ذلت‌پذیری، خودفراموشی، خود باختگی، خود بیگانگی، خودکشی و ارتکاب گناه، نمونه‌هایی از خیانت به خویشستن و استفاده‌ای ناصحیح از توانایی‌های خدادادی است.^۲

دیگر افراد نیز امانت‌هایی را بر دوش انسان می‌نهند. این امانت‌ها در دو بخش فردی و اجتماعی قابل بررسی است.

۱. ﴿وَلَا تَجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا﴾ نساء(۴)/۱۰۷؛ از آنان که به خود خیانت کردند، دفاع مکن، زیرا خداوند افراد خیانت‌پیشه گنهکار را دوست ندارد.
۲. بنگرید به: علی جلائیان اکبرنیا، نظم و انضباط فردی و اجتماعی.

برخورد صحیح با این امانت‌ها در حوزه فردی، رعایت قوانین شرعی و عرفی و پایبندی به قراردادهاست.

وکالت باید به بهترین وجه صورت پذیرد. عاریه محافظت و قرض در زمان تعیین شده برگشت شود. مورد اجاره، صحیح استفاده شده و در سررسید تحویل یا تجدید گردد. جان، آبرو و اسرار مردم حفظ و عهد و پیمان رعایت گردد.

در حوزه امانت‌های اجتماعی چه مادی و چه معنوی آن، باید اموال عمومی در مسیر خویش هزینه شود و استفاده شخصی نگردد. اسرار عمومی و حرمت جامعه حفظ شود.

اموال عمومی شاخص‌ترین مورد از امانات الهی است که توجه به آن زمینه ساز اصلاح الگوی مصرف است. از این رو به توضیح بیش‌تر آن می‌پردازیم.

اموال عمومی امکانات و سرمایه‌هایی است که خداوند آن‌ها را مایه حیات و بقای زندگی قرار داده و مخصوص به نسلی خاص نیست و مردم هر دوره مسئولیت محافظت و استفاده صحیح از آن را دارند. مصرف صحیح این اموال خدادادی زمینه ماندگاری آن و رفاه جامعه امروز است و استفاده ناصحیح آن زمینه‌ساز

کاهش و فرسایش این منابع و بروز مشکلات در جامعه.

علامه طباطبایی ذیل آیه **﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا﴾** در بیان علت اضافه شدن اموال یتیمان به اولیای آنها و تعبیر «اموالکم» می‌فرماید: این بدین سبب است که مجموعه اموال و ثروت‌های موجود در جامعه متعلق به همه است و اگر مبتنی بر اصل مالکیت، این اموال در اختیار افراد مختلف قرار می‌گیرد، نباید مردم این حقیقت را فراموش نمایند و بر تک تک افراد است که این اموال را حفظ نمایند و از هدر رفتن آن جلوگیری کنند. پس افراد بی‌کفایت و سفیه نباید اجازه یابند که اموال را اسراف و ریخت و پاش نمایند و انسان‌های عاقل باید اداره امور کودکان و دیوانگان و مانند آنها را برعهده گیرند و از تباه شدن ثروت‌ها جلوگیری کنند.^۱

بدین سان می‌توان چنین نتیجه گرفت گرچه اموالی در اختیار ماست و مالک آن هستیم، ولی در یک نگاه کلی آنچه در دست ماست متعلق به همگان است و مخصوص فردی خاص نیست و فقط

اجازه داریم به گونه صحیح از آن بهره ببریم و به آن آسیب نرسانیم. بدیهی است این امر در مورد اموال عمومی و بیت المال بسیار سخت‌تر و حساس‌تر است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: این ثروت از من و تو نیست. این مالیات و غنایمی از مسلمانان است...^۲

هم ایشان در سخنی خطاب به کارگزاران خویش چنین فرمود: «ادقوا أقلامکم و قاربوا بین سطورکم و احذفوا عنی فضولکم و اقصدا و قصد المعانی و ایاکم و الإکتار، فإن أموال المسلمین لا تحتمل الإضرار»؛^۳ نوک قلم‌هایتان را ریز کنید، سطرها را به هم نزدیک سازید، کلمات زائد را [در نوشتن گزارش] برای من حذف کنید و مفهوم اصلی را بیان نمایید، از زیاد نوشتن بپرهیزید؛ چرا که اموال مسلمانان، ضرر و زیان را برنمی‌تابد.

۲ - مسئولیت‌پذیری

حس مسئولیت دومین زمینه مصرف صحیح است. مسئولیت همان امانت الهی است که آسمان و زمین تاب تحمل آن را به

۲. نهج البلاغه، خطبة ۲۳۲: «إن هذا المال ليس لي

ولا لك وإنما هو فيء للمسلمين...».

۳. شیخ صدوق، الخصال، ص ۳۱.

۱. محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن،

ج ۴، ص ۱۷۰.

دوش نکشیدند، اما انسان آن را پذیرفت^۱ و باید نسبت به آن پاسخگو باشد و مسئولیت آن را بپذیرد. مسئولیت پذیری راز موفقیت در زندگی فردی و اجتماعی است.

توجه انسان به مسئولیت خویش نسبت به خدا، جامعه و طبیعت، چگونگی استفاده او از امکانات و موقعیت‌های فرارویش را متفاوت می‌نماید.^۲

حس مسئولیت نسبت به جامعه، نوع دوستی را در انسان پر رنگ نموده و استفاده صحیح از ثروت‌ها و نعمت‌های خدادادی را زمینه‌سازی می‌نماید. «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»^۳؛ اوست که شما را از زمین آفرید، و آبادی آن را به شما وا گذاشت.

در توضیح این بخش از آیه آمده است: «منظور از زمین، گستره زیست بشر است که از عمق دریا تا اوج سپهر و قله آسمان را در برمی‌گیرد. بنابراین، فرهنگ زیست محیطی با مقام برین جانشینی خدا آمیخته

است، آن کس که به جای پالایش هوا آن را می‌آلاید و عوض مرمت زمین آن را ویران می‌کند و به جای غرس نهال به قطع درخت می‌پردازد و به جای سالم سازی دریا و صحرا از آلوده نمودن آن‌ها ابایی ندارد، دروغ می‌گوید که خویشتن را خلیفه خدا می‌شمرد.»^۴

استفاده صحیح از مقام، شخصیت‌ها و مفاخر علمی و اجتماعی، امکانات مادی و معنوی، ثروت‌های عمومی، منابع و ذخایر معدنی همه و همه وابسته به مسئولیت پذیری انسان نسبت به اجتماع است.

مسئولیت‌پذیری، آینده‌نگری را نیز در وجود انسان زنده می‌نماید و اجازه نمی‌دهد آدمی فقط خود و منافع کوتاه مدت خویش را ببیند. این حس زمینه‌ساز این نگاه است که منابع مختلف، امانت‌های خدادادی است که متعلق به نسل‌های آینده نیز می‌باشد و ما امروز نسبت به مصرف صحیح آن مسئولیم.

۳- نظم و انضباط

نظم و انضباط یکی دیگر از زمینه‌های

۴. بنگرید به: عبدالله جوادی آملی، انتظار بشر از دین، ص ۱۷۹.

۱. بنگرید به: احزاب(۳۳)/۷۲.

۲. بنگرید به: نهج‌البلاغه نامه ۷۴: «ثم انّ علیهم بذلک عهد الله وميثاقه ان عهد الله کان مسؤولاً». و آیاتی که در آن‌ها به پیمان گرفتن از انسان اشاره شده است.

۳. هود(۱۱)/۶۱.

مصرف صحیح است.

افراد و مؤسساتی که بدون چشم انداز و نظم مشخصی روزگار می گذرانند و بدون در نظر گرفتن آرمانی نیازها را پاسخ می گویند و امکانات را به کار می گیرند، علاوه بر صرف هزینه های فراوان، موفقیتی را تجربه نمی کنند.

انسان بدون نظم، زمینه شکوفایی استعدادهای خویش را فراهم نمی آورد و هدایت خویش را به دست شانس و اقبال می سپارد. او بر زندگی خویش کنترلی ندارد، در نتیجه احساس ناامیدی و سرخوردگی می کند.

با نظم و برنامه ریزی راه رسیدن به هدف کوتاه تر شده، ضریب امنیت آن بالاتر می رود. این خود زمینه ای مهم در مصرف صحیح از امکانات، ثروت ها و فرصت هاست. امام جواد علیه السلام می فرماید: «هر کس نداند کاری را از کجا آغاز نماید، از به سرانجام رساندن آن درماند»^۱.

برنامه ریزی موفق که از عناصر اصلی نظم است و در مصرف صحیح نقش بسزایی دارد نیازمند شروطی است:

الف) خرد و عملیاتی نمودن کارها و

۱. دیلمی، اعلام الدین، ص ۳۳.

تقسیم آن میان وظیفه های گوناگون؛ این شرط دستیابی به امور را از نظر کمی و کیفی روشن نموده، باعث جزئی و عینی شدن امور می شود. در نتیجه محاسبه ابزار، نیروها و هزینه ها و زمانبندی کار به گونه ای دقیق ممکن می شود.

حضرت علی علیه السلام در تأکید بر برنامه ریزی و تقسیم کار، به فرزندش امام حسن علیه السلام سفارش می فرماید: «هر یک از خدمتکارانت را کاری به عهده بگذار و آن را بدان کار بگمار تا هر یک وظیفه خویش بگذارد و کار را به عهده دیگری نگذارد»^۲.

ب) ایجاد سازگاری و سازماندهی بخش های تقسیم شده، به گونه ای که امکان انجام صحیح کار را فراهم آورد.^۳ سازگاری و هماهنگی بخش های تشکیل دهنده یک کل - که برای دستیابی به هدف مشترک، ترکیب می شوند - از شرایط پایه ای برنامه ریزی به شمار می آید که توجه ننمودن به

۲. «واجعل لكل إنسان من خدمك عملاً تأخذ به فإنه أحرى ألا يتواكلوا في خدمتك»؛ نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، ص ۳۰۷، نامه ۳۱.
۳. برگرفته از: عباس شفیعی، ص ۱۲۷، به نقل از میتزبرگ، هنری، سازماندهی، پنج الگوی کارساز، ترجمه ابوالحسن فقیهی و حسن وزیری سابقی.

این شرط، فعالیت‌ها را دچار اختلال و شکست می‌نماید. نمونه این ناهماهنگی و بی‌نظمی را در جنگ احد مشاهده می‌کنیم که بزرگ‌ترین خسارت‌های سازمانی را در پی داشت. در این جنگ، گروه تیرانداز برخلاف برنامه مورد تأکید پیامبر ﷺ رفتار نمود و زمینه شکست مسلمانان و شهادت حدود ۷۰ تن را فراهم آورد.^۱

ج) ژرف بینی و دوراندیشی، یکی دیگر از عناصر برنامه‌ریزی است؛ چرا که دورنگری، نظم انگیز و برنامه‌زاست. پیامبر اکرم ﷺ در سفارش به تدبیر در کارها و بیان چگونگی آن می‌فرماید: «هر گاه به کاری همت می‌گماری به عاقبت آن بیندیش؛ اگر مایه رشد و سعادت بود پیگیری کن و اگر مایه گمراهی و انحطاط بود از آن چشم‌پوشی کن.»^۲

حضرت علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «فکر کن تا دور اندیش شوی و چون همه جوانب کار برایت روشن شد، آن گاه

۱. بنگرید به: سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۱۲۹.
۲. «إذا هممت بأمر فتدبر عاقبته، فان یک خیراً ورشداً فاتبعه، وإن یک غیا فدعه»؛ احمد بن محمد بن خالد برقی، محاسن، ج ۱، ص ۱۶.

تصمیم قطعی بگیر.»^۳ و «هر گاه در کارهایت بیندیشی، در هر امری نیک‌فرجام شوی.»^۴ آن حضرت علیه السلام در بیان نتیجه دور اندیشی در مسایل اقتصادی می‌فرماید: «نیک اندیشیدن و برنامه‌ریزی کردن، دارایی اندک را رشد می‌دهد و سوء تدبیر، ثروت بسیار را به باد فنا می‌دهد.»^۵

د) علم، دیگر شرط لازم برای برنامه‌ریزی و موفقیت در اجرای آن است. دانش مهارت‌های مدیریت، بازوی مدیر در برنامه‌ریزی و پایداری نظم می‌باشد. از این رو قرآن در پاسخ کسانی که به انتخاب طالوت به عنوان پادشاه اعتراض می‌نمودند و به خاطر نداشتن تمکن مالی وی را لایق این مقام نمی‌دانستند، می‌فرماید: «در حقیقت، خدا او را بر شما برتری داده، و او

۳. «روّ تحزم، فإذا استوضحت فاجزم»؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۴۱، ح ۱۵.
۴. «إذا لوحت الفکر فی أفعالک، حسنت عواقبک فی کل أمر»؛ میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۰۸، ح ۱۳۱۱۵.
۵. «حسن التدبیر ینمی قلیل المال وسوء التدبیر یفنی کثیره»؛ علی بن محمد اللیثی الواسطی، عیون الحکم والمواعظ، ص ۲۲۸-۲۲۹. برای اطلاع بیشتر از آموزهای دینی درباره دور اندیشی بنگرید به: محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، ذیل ماده «حزم».

را در دانش و [نیروی] بدنی بر شما برتری بخشیده است»^۱.

حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام نیز در هنگام پذیرش مسئولیت در حکومت مصر، جهت اعتماد سازی برای دریافت مدیریت امور خزانه به امانتداری و دانش خویش اشاره می کند و می فرماید: «مرا بر خزانه های این سرزمین بگمار که من نگهبانی دانا هستم»^۲.

توجه به دانش در اعطای مسئولیت، نشان اهمیت این امر در برنامه ریزی و مدیریت از نگاه قرآن است. از این رو خداوند در پی بیان دلایل توحید، در ضمن نمونه هایی از اسرار کائنات و نظام آفرینش، برنامه ریزی و نظم دقیق این نظام را در سایه علم و قدرت دانسته می فرماید: «هموست که [شکافنده صبح است، و شب را برای آرامش و خورشید و ماه را وسیله حساب قرار داده. این اندازه گیری آن توانای داناست»^۳.

تقسیم درست و نظم یافته امکانات که از مصادیق نظم و انضباط است، زمینه دیگری برای مصرف صحیح می باشد. قرآن در بیان داستان حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام آن

هنگام که برای قوم خویش تقاضای آب نمود، می فرماید: به او دستور دادیم: «عصای خود را بر آن سنگ مخصوص بزن!» ناگاه دوازده چشمه آب از آن جوشید آن گونه که هر یک (از طوایف دوازده گانه بنی اسرائیل)، چشمه مخصوص خود را می شناختند.^۴ در ادامه، آیه به نتیجه این تقسیم امکانات در قالب دستوری دیگر اشاره می نماید: (و گفتیم:) «از روزی های الهی بخورید و بیاشامید! و در زمین فساد نکنید!»

۴- فرهنگ سازی و آموزش

یکی دیگر از زمینه های مصرف صحیح فرهنگ سازی و آموزش است. بسیاری از زیاده روی ها یا کم مصرف نمودن و حتی ناقص مصرف کردن ها وابسته به فرهنگ های غلط رایج می باشد. تجمل، چشم و هم چشمی در مصرف، سخت جلوه دادن زندگی مشترک و ده ها نمونه مانند آن، از مواردی است که با فرهنگ سازی و آموزش باید اصلاح گردد. پوشیده نیست که آموزش و دانش زمینه

۱. بقره (۲)/۲۴۷.

۲. یوسف (۱۲)/۵۵.

۳. انعام (۶)/۹۶.

۴. بقره (۲)/۶۰؛ ﴿وَ إِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَا عَشْرَةَ عَيْنًا...﴾

بسیاری از فعالیت‌ها و تصمیم‌های مثبت است، ولی دانش به تنهایی انگیزه لازم را ایجاد نمی‌کند، بلکه با فرهنگ‌سازی، زمینه عمل به دانسته‌ها فراهم می‌شود. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه خویش به مالک اشتر می‌فرماید: «مبادا نکوکار و بدکردار در دیده‌ات برابر آید، که آن رغبتِ نکوکار را در نیکی کم کند، و بد کردار را به بدی وادار نماید.»^۱

بی‌گمان تشویق نیکان و برخورد با قانون‌شکنان، فرهنگ‌سازی و زمینه‌ای برای انجام رفتارهای صحیح به‌شمار می‌آید. بر اثر آن بدکار نتیجه رفتار خویش را دیده، عبرتی برای دیگران خواهد شد. نیکوکار نیز به نتیجه کار خویش امیدوار شده، زمینه افزایش و استواری بر آن رفتار فراهم می‌شود.

مورد پژوهی تشویق و تنبیه در قرآن کریم نمونه‌های فراوانی را به دست می‌دهد که به «تشویق» به عنوان محرکی لذت‌بخش در پی رفتار مثبت و به منظور افزایش و تثبیت آن رفتار نگاه شده و به تنبیه به عنوان بازدارنده‌ای از رفتار منفی اشاره شده است. به دو نمونه بنگرید:

قرآن در پی اشاره به داستان کسانی که از دستورات الهی سرپیچی نموده، عذاب بر آن‌ها نازل شد، آن عذاب را به عنوان «نکال» برمی‌شمارد؛ یعنی مجازاتی که مجرم را از تکرار گناه باز می‌دارد و عبرتی برای دیگران به‌شمار می‌آید. ﴿فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ﴾؛ و ما آن [عقوبت] را برای حاضران و [نسل‌های] پس از آن، عبرتی، و برای پرهیزگاران پندی قرار دادیم.

در نتیجه باید گفت آموزش صحیح روش‌های مختلف رفتاری در تمام ابعاد زندگی زمینه‌های مصرف درست را فراهم می‌آورد. هرچند نباید از این نکته غافل شد که پایداری رفتار، وابسته به فرهنگ‌سازی رفتارهای صحیح است.

علاوه بر موارد یاد شده می‌توان به عوامل دیگری در زمینه‌سازی مصرف صحیح اشاره نمود که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: عدالت و پیشرفت، شناخت دقیق نیازها، مبارزه با هوای نفس و تعدیل غرایز و شناخت چگونگی استفاده درست و بهینه از منابع موجود.

۱. نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، ص ۳۲۸، نامه ۵۳.

۲. بقره (۲)/۶۶. در آیه ۳۸ سوره مائده نیز بریدن دست دزد، «نکال» خوانده شده است.